

مهارت چهارم از انشای ساده شروع می‌شود

گفت‌وگو: سعید زاهدیان

کفّت و گو با علی اکبر کمالی نهاد، معلم و پژوهشگر استان مرکزی

درواقع اگر آدم برای خودش تلاش کند، ناخودآگاه جایزه و مقام هم در پی آن می‌آید. به قول ما ادیبانی‌ها چون که صد آمد نود هم پیش ماست... اگر علاقه‌مندی باشد و در کنارش برنامه‌ریزی و نظم وجود داشته باشد، خدا توفیق می‌دهد و کارمند نمونه شدن و افتخار هم به دست می‌آید.

● تعریف شما از معلم نمونه چیست؟ یا به عبارتی، از نظر شما معلم نمونه چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

○ یک معلم نمونه باید به رشته و تخصص خود عشق و علاقه داشته باشد و در این راه کم نگذارد؛ یعنی، خودش را به روز نگه دارد، با عشق و علاقه سر کلاس برود و دانش‌آموز خود را از جان و دل دوست داشته باشد و با او صمیمی باشد. معلمی که خود را متعهد بداند که اطلاعاتش را ارتقا دهد تا بتواند مفاهیم بهتری را به دانش‌آموزان انتقال بدهد، یک معلم نمونه و خوب است.

● شما به عنوان معلمی برجسته، چه روش‌هایی برای تدریس دارید؟ از جایی الگو می‌گیرید یا مثلاً مطالعه می‌کنید که در دنیا به چه روش‌هایی تدریس می‌شود و آنها را با توجه به فرهنگ خودمان به کار می‌گیرید؟

○ من در تدریس ابتدا سعی کردم هر آنچه را از دیگران آموختم، گلچین کنم. اگر در یک سخنرانی شرکت می‌کنم، به این نکته توجه دارم که کدام ویژگی سخنران برایم جذاب است و همان‌ها را به کار می‌گیرم از جمله مسائلی که به آن اهمیت می‌دهم، استفاده از فناوری‌های نوین است. همواره سعی کرده‌ام از این موضوع به بهترین نحو استفاده کنم تا کلاس‌های درسم برای دانش‌آموزان جذاب‌تر شود. وقتی در کلاس نرم‌افزار یا برنامه‌ای را برای دانش‌آموزان به نمایش می‌گذارم، کاملاً متوجه می‌شوم که کلاس جذاب‌تر می‌شود و بچه‌ها با علاقه

و در کنار آن کارهای دیگری نظیر تألیف کتاب داشتم که سرم را خیلی شلوغ کرده بود. شما بهتر می‌دانید که قبول شدن در مقطع دکتری به مطالعه نیاز دارد اما از آنجا که سابقه علمی من خوب بود و یک سالی هم مطالعه کردم، در نهایت قبول شدم و تا الان هم خدا را شکر همه چیز خوب پیش رفته است و مشغول تحصیل هستم.

● با این همه مشغله، چند ساعت در شبانه‌روز می‌خوانید؟

○ فکر می‌کنم حداکثر شش ساعت باشد؛ البته اگر خوب بخوابم. اما بعضی مواقع بین دو تا چهارونیم ساعت می‌شود. ساعت شش صبح بیدار می‌شوم و ساعت هفت سر کارم هستم. شب هم تا ساعت یک شب مشغول مطالعه‌ام و کار ویراستاری نشریات را انجام می‌دهم یا مقاله می‌نویسم و تحقیق می‌کنم. کارهای متفرقه هم هست اما مطالعه از هر چیزی مهم‌تر است و باید هر شب باشد.

● یک فرد چطور به کارمند و معلم نمونه تبدیل می‌شود؟ آیا برای این کار برنامه‌ریزی می‌کند یا ناخودآگاه یک روز متوجه می‌شود که به این رتبه رسیده است؟

○ این‌طور نیست که آدم از قبل دنبال نمونه شدن باشد. یک شاعر یا داستان‌نویس ممکن است برنده جایزه ادبی هم شود اما او که از ابتدا با هدف گرفتن جایزه به سمت شعر و داستان نرفته است. مثلاً در جشنواره خوارزمی شاگردهای ما شرکت می‌کنند و برای راهنمایی پیش ما می‌آیند و دغدغه دارند که اگر برنده نشوند، دنیا به پایان می‌رسد. من به آنها می‌گویم که اگر برای برنده شدن در جشنواره و گرفتن جایزه، داستان و شعر می‌گویید، از همین حالا این کار را کنار بگذارید؛ چون شعر و داستان کار دل است و برنامه می‌خواهد.

اشاره

علی اکبر کمالی نهاد: پژوهشگر برتر استان مرکزی در بخش کارشناسان و کارمند نمونه استان در سال ۸۹ دارای ۱۶ سال سابقه تدریس در آموزش و پرورش و مؤلف بیش از هفت عنوان کتاب در حوزه ادبیات و داستان و شعر است. او که دبیر همایش‌های مختلفی در سطح کشور و استان مرکزی بوده است، می‌تواند نمونه خوبی برای معلمان جوان باشد. مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی مرکز تربیت معلم دانشگاه شهیدباهنر اراک، آدم خوش صحبت و البته بی‌آلایشی است. از او می‌خواهیم که بدون تعارف و رودربایستی گپ‌وگفت کوتاهی با ما نداشته باشد؛ ما در نقش شاگرد و او در مقام معلم با این قول و قرار، مصاحبه را شروع می‌کنیم و این بار ما می‌پرسیم و ایشان به سؤال‌های ما خیلی خوب و جامع پاسخ می‌دهد.



● شما دانشجوی دکتری هستید. یک آدم چطور می‌تواند کارمند نمونه، معلم نمونه در بخش شغلی و یک انسان نمونه باشد و در کنار تمام گرفتاری‌ها و مشغله‌های کار و زندگی، درس هم بخواند و در جهت ارتقای علمی خود قدم بردارد؟

○ به قول ابوسعید ابی‌الخیر ما این همه نیستیم و شما نسبت به ما لطف دارید. اگر برنامه‌ریزی باشد و کارها را جفت‌وجور کنیم، مشکلی پیش نمی‌آید. به خاطر مشغله و کار، بین فوق‌لیسانس و دکتری چندسالی فاصله افتاد اما با برنامه‌ریزی و هدف در آزمون دکتری شرکت کردم و رتبه اول دکتری شدم. در سال ۱۳۸۱ فوق‌لیسانس گرفتم و تا سال ۸۹ در درس خواندن من وقفه پیش می‌آمد. دلیلش هم کار و حضور در دانشگاه و تدریس و کارهای جانبی مثل حضور در انجمن‌های ادبی بود. مسئولیت اتحادیه ادبیات یا مسئولیت انجمن ادبیات استان باینده است

رشد معلمان با مجلات رشد

معلمان با مجلات رشد انس خاصی گرفته‌اند و این مجلات در خانواده آموزش و پرورش ریشه دوانده است؛ معلمان، آنها را متعلق به خودشان می‌دانند. بارها دیده‌ام که معلمان در وقت‌های آزاد خود مجله‌ها را با دقت مطالعه می‌کنند. در بسیاری موارد، مطالب و مقالات مجلات رشد شک و شبهه‌های معلمان را برطرف می‌کند. این مجلات چون ریزترین مسائل درسی و آموزشی را تحلیل می‌کنند، در میان معلمان جایگاه علمی ویژه‌ای دارند. اما پیشنهادی برای دوستان دست‌اندرکار مجلات دارم. از آنجا که ۲۵ سال از عمر این نشریات می‌گذرد، دوستان باید توجه ویژه‌ای به سطح علمی آنها داشته باشد. الان من معلم ۱۶-۱۵ سال قبل نیستم و دوست دارم از مجلات رشد چیزهای عمیق‌تری به دست بیاورم. این مجله همان‌طور که برای معلمان جوان باید جذابیت و تازگی داشته باشد، لازم است به معلمی هم که دارای بیست سال سابقه تدریس است، چیزهای جدیدی ارائه کند. درواقع، مجلات رشد هم باید دسته‌بندی خاص خودش را داشته باشد و بتواند هر طیفی را پوشش دهد.

کتاب‌های جدید برای نسل جدید

کتاب‌های درسی بی‌عیب نیستند اما در مجموع خوب‌اند. تغییراتی که در کتاب‌ها ایجاد شده، در مجموع مثبت بوده است و مؤلفان روند خوبی را در پیش گرفته‌اند. نگاه مذهبی و دینی که در متون درسی وارد شده، از جمله همین نکات خوب است. جریان‌های نوین ادبی و تازه‌های ادبیات گنجانده شده است اما به خاطر محدودیتی که مؤلفان به لحاظ فضا و حجم کتاب‌ها دارند، جای برخی شعرای جدید و حتی نویسندگان قدیم خالی است. عمر کتاب‌های درسی ۱۰ سال است. من به عنوان یک معلم وقتی کتابی را درس می‌دهم، بعد از چند سال، دیگر آن کتاب چیز تازه‌ای برای خودم ندارد. وقتی تغییراتی ایجاد می‌شود، خود ما هم نکات جدیدی یاد می‌گیریم. شاید چنین تصور شود که این تغییرات برای معلمان مشکلاتی به وجود می‌آورد اما من معتقدم که اتفاقاً این خوب است و ما می‌توانیم با کمی مطالعه خودمان را با کتاب‌های جدید وفق دهیم. با نظام آموزشی جدید (۳-۳-۶) تغییرات مثبت دیگری هم در کتاب‌ها خواهیم داشت و تا آنجا که کم و بیش در جریان هستم، روند رو به رشدی در پیش گرفته شده است. دانش‌آموزان نسل جدید به واسطه فناوری و عصر ارتباطات از سطح دانش بالاتری برخوردارند و همین مسئله ایجاب می‌کند که کتاب‌های درسی هر چند دوره یک بار به روز رسانی شوند.

کنم الان زمان این کار فرا رسیده است. تا زمانی که ما به نوشتن نپردازیم و به مهارت چهارم زبان، که «خلق اثر با آن زبان است»، توجه نکنیم و قلم ما روان نشود، نمی‌توانیم کتاب یا مقاله بنویسیم و اثری را خلق کنیم. می‌توانیم از انشاهای ساده و مقاله‌ها و خاطره‌نگاری‌ها شروع کنیم و در نهایت به کتاب برسیم، به نظر من، در کار نوشتن باید به این جمله معروف نظامی توجه کنیم «کار نیکو کردن از پر کردن است». تمرین و تکرار کارها را بهتر می‌کند. همین الان، وقتی من به کتاب اولم نگاه می‌کنم، احساس می‌کنم نسبت به امروز چقدر ضعیف بوده‌ام. درواقع مطالعاتم بیشتر شده است که چنین احساسی دارم. تألیف کتاب برای ما معلمان چیز غریب و دور از دسترسی نیست اما بعضی از دوستان این جسارت و شهامت را به خرج نمی‌دهند. شاید خیلی از آنها در زمینه کاری خود صاحب‌نظر باشند و بخواهند نگاهشان را به جامعه اشاعه دهند اما جسارت و شهامت لازم برای تألیف کتاب را ندارند.

● چقدر اعتقاد دارید که چوب معلم گل است؟
○ خیلی زیاد... درواقع چوب معلم یعنی دلسوزی او؛ توجه به آینده دانش‌آموز و عشق و علاقه به موفقیت او باعث می‌شود معلم مثل پدر رفتار کند. اخم معلم، قهر معلم و همه سختگیری‌های او از سر دلسوزی و آینده‌نگری است. دانش‌آموزان همیشه به من می‌گویند که استاد! شما سخت‌گیرید؛ ولی خودم چنین احساسی ندارم؛ چون می‌گویم بعداً متوجه می‌شوند که این سخت‌گیری باعث موفقیتشان شده است. البته خود معلم هم در سخت‌گیری متحمل درد و رنج زیادی می‌شود اما وقتی آینده دانش‌آموز را در اولویت قرار می‌دهد، به سادگی از کنار مسائل عبور نمی‌کند.

● تا به حال کسی را تنبیه کرده‌اید؟

○ نه... در حد جریمه بوده است تا دانش‌آموز متوجه اشتباه خود شود. روح معلم خیلی بالاتر از این حرف‌هاست و همه ما معتقدیم که معلمی شغل انبیاست.

بیشتری به موضوع توجه می‌کنند. این را همیشه به معلمان دیگر و سایر همکارانم پیشنهاد کرده‌ام که از فناوری در کلاس‌ها استفاده کنند. در دانشگاه درسی با عنوان کاربرد نرم‌افزارهای رایانه‌ای در ادبیات را تدریس می‌کنم. برای این کلاس از چهار ماه قبل شاید حدود ۶۰ مورد نرم‌افزارهای موجود را به هر ترتیبی جمع کردم. از تهران سفارش دادم؛ در اینترنت جست‌وجو کردم و خلاصه این برنامه‌ها را به دست آوردم. سر کلاس استقبال خیلی خوبی از این کار می‌شود. بعد کلاس هم مراجعه می‌کنند و دنبال گرفتن نرم‌افزارها هستند. چون شاگردان این کلاس خودشان معلم هستند، می‌خواهند از روش‌های نوین و فناوری روز در مدارس استفاده کنند. به این ترتیب، دانش‌آموزان آنها هم به نوعی با این فناوری‌ها آشنا می‌شوند.

● آیا هم‌اکنون مدارس کشور این امکان را برای معلمان فراهم می‌کنند که در کلاس‌های درس از فناوری استفاده کنند؟

○ اگر معلم بخواهد، حتماً مدارس هم شرایط را فراهم می‌کنند. نباید بنالیم که چرا امکانات نیست؛ چرا فلان چیز و بهمان چیز وجود ندارد این ما معلمان هستیم که اگر بخواهیم، می‌توانیم از حداقل امکانات بهترین بهره‌وری را داشته باشیم. سال گذشته بحث هوشمندسازی مدارس مطرح شد و الان ۲۰ درصد مدارس مجهز شده‌اند. یک رایانه با چند برنامه در تمام مدارس وجود دارد. حتی اگر در کلاس چنین چیزی نباشد، می‌توان دانش‌آموزان را به کارگاه برد یا از خود بچه‌ها خواست که اگر وسیله‌ای دارند، برای کمک به کلاس بیاورند. اگر معلم بخواهد، شرایط برای استفاده از فناوری مهیا می‌شود.

● شما چند کتاب هم تألیف کرده‌اید؛ برای همکاران خودتان توضیح بدهید که یک معلم چگونه تبدیل به نویسنده می‌شود؟

○ می‌گویند «هم سؤال از علم خیزد هم جواب». من باید ابتدا سطح علم و دانش خود را به جایی برسانم که بعد احساس